

The role of a halal diet in guiding mankind with the focus of Quranic studies

Morteza Amarloo

Level 4 Khorasan Seminary; PhD, Department of Jurisprudence and Islamic Law, Babol Branch, Islamic Azad University, Mazandaran, Iran. aammar1389@gmail.com

Abstract

Objective: Guidance of all creatures—especially humankind—is among the attributes of the Almighty. God created human beings and guided them toward their ultimate destination, which is the perfection of human existence in this world and the Hereafter. To achieve this goal, He appointed guides, among whom the Holy Qur’an holds a central place. The aim of this study is to elucidate the significance of divine guidance for humankind and the vital role of *lawful sustenance (ḥalāl rizq)* in achieving this guidance, with a focus on Qur’anic understanding and the methods of guidance presented in the Qur’an, supported by relevant verses, traditions, and scholarly commentaries.

Method: This research employs a qualitative, library-based approach. Using Qur’anic verses, prophetic traditions (*aḥādīth*), and related scholarly sources, it analyzes the influence of lawful sustenance on human guidance through the lens of Qur’anic knowledge. Data were collected, reviewed, and interpreted using a descriptive–analytical method.

Findings: The study highlights the importance and status of human guidance, lawful sustenance, and Qur’anic understanding in religious sources, particularly in the Qur’an and narrations. The Qur’an itself is introduced as one of the primary guides for humanity. Attaining existential perfection requires adherence to the Qur’an. The methods of human guidance in the Qur’an include *remembrance (tadhkīr)*, *wisdom (ḥikmah)*, *admonition (maw‘izah)*, *dialogue and reasoning (mujādalah)*, *parable (tamthīl)*, and others.

Keywords: Halal food, guidance, legislative guidance, developmental guidance, Quran.

Cite this article: Amarloo, M. (2023). The role of a halal diet in guiding mankind with the focus of Quranic studies. *Biannual journal of halal*, 6(2), p. 101-117.
<https://doi.org/10.30502/h.2025.467752.1139>

Received: 2023/03/08 ; **Revised:** 2023/04/09 ; **Accepted:** 2023/05/18 ; **Published online:** 2023/07/11

Article type: Research Article

Publisher: Halal Research Center of Islamic Republic of Iran

©2025/authors retain the copyright and full publishing rights



نقش روزی حلال در هدایت بشر با محوریت قرآن‌شناسی

مرتضی عمارلو

سطح ۴ حوزه علمیه خراسان؛ دکتری، گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی،
مازندران، ایران. ammar1389@gmail.com

چکیده

هدف: هدایت همه مخلوقات بویژه بشر از شئون پروردگار است. خدا انسان را خلق نمود و او را هدایت کرد تا به سرمنزل مقصود برسد که همان کمال وجودی انسان در دنیا و آخرت است. برای رسیدن به این مقصود، هدایت‌گرانی قرار داده که از جمله آن قرآن مجید است. هدف پژوهش حاضر بیان اهمیت هدایت بشر و نقش روزی حلال در هدایت با محوریت قرآن‌شناسی و روش‌های هدایت‌گری قرآن با تکیه بر آیات و روایات و سخنان علما است.

روش: این پژوهش با استفاده از آیات و روایات و کتب مرتبط با آنها درصدد تبیین تاثیر روزی حلال در هدایت بشر با محوریت شناخت قرآن می‌باشد. این پژوهش به روش مطالعه کتابخانه‌ای انجام گرفته و اطلاعات لازم جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل شده است. بنابراین، روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است. **یافته‌ها:** اهمیت و جایگاه هدایت بشر و روزی حلال و شناخت قرآن در منابع دینی بویژه قرآن و روایات بیان شده است و از جمله هدایت‌گران انسان، قرآن است. برای رسیدن به کمال وجودی باید به قرآن تمسک جست. روش‌های هدایت‌گری انسان در قرآن عبارت است از: تذکر، حکمت، موعظه، مجادله، تمثیل و... .

کلیدواژه‌ها: روزی حلال، هدایت، هدایت تشریحی، هدایت تکوینی، قرآن.

استناد به این مقاله: عمارلو، مرتضی (۱۴۰۲). نقش روزی حلال در هدایت بشر با محوریت قرآن‌شناسی. پژوهشنامه حلال، ۶(۲)، ص ۱۰۱-۱۱۷. <https://doi.org/10.30502/h.2025.467752.1139>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۷ ؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۱/۲۰ ؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۸ ؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۴/۲۰

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: مرکز ملی تحقیقات حلال جمهوری اسلامی ایران

۱۴۰۴ © نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند.



۱. مقدمه

یکی از شئون خدایی پروردگار، این است که هر مخلوقی که آفرید، نقطه‌ای که خلقتش را تمام می‌کند، هدایت نماید و همچنین از چیزهایی که خلقت آدمی به آن تمام می‌شود، کمال وجودی است، و برای پیمودن این راه، خداوند هدایت‌گرانی قرار داده، از جمله آن کتب آسمانی است که بر پیامبرانش نازل می‌کرد و در وصف قرآن کریم می‌فرماید: «هدی للمتقین»، «هدایت‌گر پرهیزکاران است». قرآن کتابی است برای انتخاب بهترین مسیر که سعادت جاودانه در پرتو آن تحقق می‌یابد. پیامبر اسلام (ص) در حدیث معروف و مشهور ثقلین، امت اسلام را به پیروی و اطاعت از قرآن و اهل بیت (ع) سفارش می‌فرماید و امیرالمومنین (ع) در توصیف قرآن، آن را هدایت‌گر انسان معرفی می‌کند و هر کس به قرآن تمسک جست، گمراه نمی‌گردد و سفارش می‌فرمایند که از قرآن در تمام کارها کمک بگیرید: «واعلموا أن هذا القرآن هو الناصح الذی لا یغش و الهادی الذی لا یضل...»^۱. خداوند در قرآن کریم به توصیف هدایت‌گری خود قرآن می‌پردازد و می‌فرماید: «ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»^۲. همچنین در آیه دیگر می‌فرماید: «جَاءَكُم مِّنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُّبِينٌ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ...»^۳. این آیه و آیاتی دیگر، کارکرد و کاربرد قرآن کریم را هدایت‌بندگان دانسته و آن را غرض واحد از برای خلق می‌داند (۱). انسان برای بهره‌مندی و شناخت قرآن باید مقدماتی در زندگی‌اش انجام دهد تا بتواند به این امر مهم دست یابد؛ از جمله آن مقدمات، کسب روزی حلال است که در منابع دینی از جایگاه مهمی برخوردار بوده و خداوند در قرآن به عنوان یکی از مولفه‌های مهم و تاثیرگذار در زندگی انبیاء و پیشوایان الهی معرفی می‌نماید و به خوردن روزی حلال دستور می‌دهد. بر هر شخص مسلمان واجب است که در حدّ ضرورت و به قدر توان، کار کند و کسب روزی حلال نماید؛ چون روزی حلال آثار فراوانی در زندگی بشر دارد. در این راستا، سوالات پژوهش حاضر به این شرح است:

(۱) مفهوم هدایت چیست؟

(۲) روش‌های هدایت‌گری قرآن کدامند؟

(۳) نقش روزی حلال در هدایت انسان با محوریت قرآن‌شناسی چیست؟

۱. «آگاه باشید! همانا این قرآن پنددهنده‌ای است که نمی‌فریبد، و هدایت‌کننده‌ای است که گمراه نمی‌سازد...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶).

۲. «این کتاب که هیچ شکّی در آن نیست، راهنمای پرهیزگاران است» (بقره، ۲).

۳. «از سوی خدا به سوی شما نوری و کتابی آشکار آمد که به سوی خدا راه می‌نماید» (مائده، ۱۵).

۲. مفهوم‌شناسی

واژه «هدایت» با مشتقات آن ۳۰۵ مرتبه و واژه «ضلالت» و مشتقات آن ۲۱۳ مرتبه در قرآن به‌کار رفته است. یکی از نام‌های خدا، هادی است. اهل لغت در تعریف هدایت گفته‌اند: هدایت از ماده «هدی»، به معنای «راهنمایی همراه با لطف» است (۲). هدایت در فرهنگ عرب، به معنای «ارشاد و راه نمودن» است و به کسی که پیشاپیش مردم حرکت می‌کند و آنان را راه می‌نماید، «هادی» گفته می‌شود. طبرسی معتقد است، در برخی موارد مقصود از هدایت، پایداری و استوار ماندن در مسیر و راه است (۳). هدایت در اصطلاح به معنی بیان راه رشد و کمال و بسترسازی برای رسیدن به قله کمال مطلوب است (۴). در تعبیر دیگر، شناخت درست و صحیح هدف، انتخاب راه و طریق صحیح برای رسیدن به هدف و پایداری در مسیر است و هدایت در عام‌ترین معنای خود شامل همه مخلوقات خداوند می‌گردد (۵). بنابراین، هدایت به معنای راهنمایی کردن و رساندن به هدف است و یک واژه عام است که هم تکامل وجودی و هم گمراهی انسان را شامل می‌شود و برای پیمودن این مسیر هدایت‌گرانی قرار داده شده، که یک طرف «الله» است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ...»^۱. امام صادق (ع) در تبیین این آیه می‌فرماید: «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ»، [هر گروه را] با کسی که از او در دنیا پیروی می‌کردند (فرامی‌خوانند) (۶).

۳. شناخت قرآن

قرآن در اصل کتاب هدایت بشر است و خداوند در سوره نحل در وصف قرآن واژه «هُدًى» را برای قرآن بکار برده و می‌فرماید: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ».^۲ معرفت و انس با قرآن یک امر ضروری و بدیهی است. این کتاب در تکوین سرنوشت جوامع اسلامی و بلکه در تکوین سرنوشت بشریت تاثیرگذار بوده است. نگاهی به تاریخ، این نکته را تبیین می‌کند که عملاً هیچ کتابی به اندازه قرآن بر جوامع بشری و بر زندگی انسان‌ها تأثیر نگذاشته است. اما ضروری بودن شناخت قرآن برای یک مؤمن مسلمان از آن جهت است که منبع اصلی و اساسی دین و ایمان و اندیشه یک مسلمان و آنچه به زندگی او حرارت و معنی و روح می‌دهد، قرآن است. قرآن اصول معتقدات و افکار و اندیشه‌هایی را که برای یک انسان به عنوان یک موجود باایمان و صاحب عقیده لازم و ضروری است و همچنین اصول تربیت و اخلاق و نظامات اجتماعی و خانوادگی را بیان کرده و تنها، توضیح و تفسیر و تطبیق اصول بر فروع را بر عهده سنت یا برعهده

۱. «(به یاد آر) روزی که ما هر گروهی از مردم را با پیشوایشان (به پیشگاه حقیقت) می‌خوانیم» (اسراء، ۷۱).

۲. نحل، ۸۹.

اجتهاد گذاشته است (۷). پیدا است که هدایت قرآنی در میان موضوعات مربوط به قرآن شأن بالایی دارد. خود قرآن مجید هم با مسئله هدایت آغاز می‌شود؛ در سوره حمد هم این [مطلب] هست: «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»^۱ به تعبیر علامه طباطبائی، سوره حمد از اول تا آخر، ادب سخن گفتن با خدا را به ما تعلیم می‌دهد، یعنی خود خدای متعال به ما تعلیم می‌دهد که چگونه باید با او صحبت کنیم. از آغاز «بِسْمِ اللّٰهِ» تا آخر هدایت‌خواهی، که «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ، صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ»^۲؛ راه مستقیم، راه آن کسانی است که خدای متعال به آنها انعام کرده است؛ آن هم آن انعام‌شدگانی که گمراه نشدند و مورد غضب قرار نگرفتند. در اول سوره بقره هم به این صورت است: «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، الْم، ذَلِكَ الْكِتَابُ لِارْتِبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»^۳. بنابراین، آغاز قرآن هم با ذکر هدایت قرآنی آغاز شده است. در جاهای متعددی از قرآن، ده‌ها مورد هست که سخن از هدایت قرآن و راهنمایی‌ها و دستگیری‌های قرآن بوده و این هم مخصوص یک گروه خاصی نیست؛ مخاطب قرآن، همه بشریت است، و ادعای قرآن این است که می‌خواهد همه‌ی بشریت را به صراط مستقیم و به راه درست زندگی انسان که به مقصد صحیح منتهی خواهد شد، هدایت کند: «إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ»^۴ (۸).

۴. هدایت تکوینی

هدایت تکوینی به تعبیر دیگر هدایت عامه است که شامل همه موجودات این عالم می‌شود. این هدایت، الهی است. هر مخلوقی در این عالم کمالی دارد. برای راهنمایی به سوی کمال وجودی، چنین هدایتی از طریق آفرینش قوا و استعدادها و فراهم ساختن قابلیت و زمینه‌هایی که هر موجودی را به سوی کمال ویژه‌ای که لایق اوست روانه می‌سازد، محقق می‌گردد. نشانه‌های هدایت تکوینی مانند عقل، غریزه، شعور، عاطفه، و انواع ادراکات می‌باشد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «قال ربنا الذی اعطى كل شیء خلقه ثم هدى»^۵ «خداوند هر حیوانی را هدایت نمود، راه بهره‌وری از امکانات را به او شناساند، تا آنجا که طفل را به پستان مادر و جوجه را به اینکه از مادرش بخواد غذا در دهانش بریزد، راهنمایی کرد (۹).

۱. حمد، ۶.

۲. حمد، ۶-۷.

۳. بقره، ۱-۲.

۴. تکویر، ۲۷.

۵. «گفت پروردگار ما کسی است که هر چیزی را خلقتی که درخور اوست، داده؛ سپس آن را هدایت فرموده است»

(طه، ۵۰).

۵. هدایت تشریحی

هدایت تشریحی یا هدایت خاصه است که خداوند به وسیله پیامبران، کتب آسمانی و امامان، انسان را به مسیر کمال راهنمایی می‌کند و سعادت دنیا و آخرت در گرو آن است؛ زیرا هدایت تکوینی به تنهایی نمی‌تواند انسان را به تکامل برساند. بلکه از طریق ابلاغ فرامین و ارزش‌های الهی و بوسیله انبیای الهی است. انسان به وسیله انبیاء، اوصیاء و بزرگان دین، راه صحیح را از باطل تشخیص می‌دهد. همانگونه که خداوند به امر مهم اشاره می‌کند و می‌فرماید: «قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ * يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ»^۱. علامه جوادی در تبیین این مسأله می‌فرماید: «به راستی، روشنایی و کتابی روشن از سوی خداوند نزد شما آمده است [که] خداوند با آن هر کسی را که پی‌خشنودی وی باشد، به راه‌های بی‌گزند، راهنمایی می‌کند. خداوند افزون‌بر هدایت تکوینی که در فطرت انسان قرار داده، عهده‌دار هدایت به وسیله پیامبران و وحی است. در این هدایت، راهنمایی از طریق تعلیم و تربیت، وضع قوانین، پند و اندرز و موعظه صورت می‌گیرد (۱۰). آیات دیگری که در قرآن دلالت بر هدایت تشریحی دارند، عبارتند از: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»^۲ «وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ»^۳. بنابراین، در هدایت تشریحی، خداوند به وسیله پیامبران، کتب آسمانی و امامان و نعمت عقل که در اختیار انسان قرار داده و با امر به انجام ارزش‌ها و نهی از زشتی‌ها، او را آگاه می‌کند، تا او با انتخاب صراط مستقیم، به مقصد کمال در دنیا و آخرت برسد.

۶. روش‌های هدایت‌گری قرآن

۱-۶. تذکر: یکی از روش‌های هدایت در قرآن، تذکر است و به عنوان یک اصل در امر هدایت در قرآن دارای جایگاه رفیعی است؛ تا آنجا که تمامی قرآن «تذکره» نام گرفته و خداوند می‌فرماید: «ان هذه تذكرة»^۴ و تنها وظیفه رسول خدا(ص) «تذکر» بیان شده است: «انما انت مذکر». در روایتی از مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ از امام کاظم(ع) در تفسیر آیه: «ان هذه تذكرة» سوال شده که عبارت است از: «عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْمَاضِي (ع) قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ... إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ قَالَ الْوَلَايَةُ»؛ مُحَمَّدِ بْنِ فَضِيلٍ گوید: از امام کاظم(ع) درباره این سخن خداوند عَزَّوَجَلَّ یعنی «إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ»

۱. مائده، ۱۵-۱۶.

۲. «ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد یا ناسپاس» (انسان، ۳).

۳. «و او را به راه خیر و شر هدایت کردیم» (بلد، ۱۰).

۴. انسان، ۲۹.

۵. غاشیة، ۲۱.

پرسیدم، فرمود: «منظور، ولایت است» (۱۱). نکته دیگر در تبلیغ و دعوت، مطلبی است که قرآن با این بیان و بیاناتی شبیه آن ذکر می‌کند: «ذکر». در یکجا می‌فرماید: «وَذَكَرَ الْذِكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ»^۱. در جای دیگر می‌فرماید: «فَذَكَرْ أَمَانَاتَ مَذْكَرٍ لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصِيطِرٍ. إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ»^۲، که راجع به استثناء است. «ای پیامبر! مردم را بیدار کن، تذکر بده، یادآوری کن». بنابراین، تذکر به معنی آگاه کردن و یادآوری است. آگاهی انسان از فطرتش تذکر نامیده می‌شود. برای اینکه بتوان انسان را از خواب غفلت بیدار کرد و او را در مسیر رشد و تکامل قرار داد، قرآن می‌فرماید: باید به او تذکر داد؛ یعنی فطرت خفته او را بیدار ساخت.

۶-۲. حکمت: حکمت به معنای دستیابی به حق از طریق علم و دانش است. بنابراین، هدف در حکمت، هدایت انسان برای رسیدن به حقیقت است. علامه طباطبایی با توجه به معنای لغوی حکمت یعنی اتقان و استواری خاص که در آن هیچ‌گونه سستی و خللی نباشد، بیشترین کاربرد آن را در معلومات عقلی مطابق با واقع که هیچ‌گونه دروغ و باطلی در آن راه پیدا نکند، دانسته است (۱۲). خداوند در قرآن پیامبر (ص) را مأمور هدایت مردم، با آموزش حکمت به آنان می‌نماید و می‌فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ... إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ... وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ»^۳. خداوند در آیات متعدد، حکمت را به عنوان یک ارزش مهم معرفی کرده و به بیان آثار آن در زندگی انسان پرداخته، و همچنین تعلیم کتاب و حکمت را از مأموریت‌های پیامبران الهی و خود را خداوندی حکیم دانسته است (بقره، ۱۲۹، ۱۵۱، ۲۳۱؛ آل‌عمران، ۵۸ و ۱۶۴؛ اسراء، ۲۹؛ احزاب، ۳۴). حکمت آثار فراوانی در زندگی انسان‌ها دارد، از جمله آثار حکمت، تزکیه نفس است. خداوند تعلیم حکمت به بشر از سوی خود و پیامبران را زمینه‌ساز تزکیه و پاکسازی آنان از آلودگی‌های اخلاقی می‌داند. از این‌رو تعلیم حکمت را مقدم بر تزکیه دانسته است؛ زیرا با آگاهی و شناخت نسبت به امری است که انسان می‌تواند نسبت به آن موضع‌گیری درست و منطقی داشته باشد و عزم را جزم نماید تا آن معلوم را در خود محقق سازد: «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»^۴. بنابراین، از نظر قرآن، دستیابی به حقیقت اسلام و تسلیم در برابر او امر

۱. ذاریات، ۵۵.

۲. غاشیه، ۲۱-۲۲-۲۳.

۳. «با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما؛ ... پروردگارت، از هر کسی بهتر می‌داند ... و او هدایت‌یافتگان را بهتر می‌شناسد» (نحل، ۱۲۵).

۴. «پروردگارا، در میان آنان رسولی از خودشان برانگیز که بر آنان تلاوت آیات تو کند و آنان را علم کتاب و حکمت بیاموزد و روانشان را (از هر زشتی) پاک و منزه سازد، که تو بر هر کار که خواهی، قدرت و علم کامل داری» (بقره، ۱۲۹).

الهی، تحقق حکمت در انسان است؛ زیرا حکمت زمینه هدایت را فراهم می‌سازد و انسان حکیم در برابر خداوند در مقام تسلیم واقعی قرار می‌گیرد که شناخت حکیمانانه‌ای همراه با عمل محقق می‌شود.

۳-۶. **موعظه:** «موعظه» از «وعظ» به معنای پند و اندرز، تذکر و یادآوری سخنی که با خیر و خوبی همراه باشد و موجب رقت و نرمی دل شود و نیز به معنای واداشتن به کاری آمده که با بیم دادن همراه باشد؛ به عبارت دیگر، هرگونه اندرزی که در مخاطب اثر بگذارد و او را از بدی‌ها بترساند، یا قلب او را متوجه نیکی‌ها گرداند، وعظ و موعظه نامیده می‌شود. «موعظه» یکی از اسامی و صفات قرآن است: «یا ایها الناس قد جاءکم موعظة من ربکم». ^۱ در این آیه و آیات ۱۳۸ سوره آل عمران، ۳۴ سوره نور و ۱۲۰ سوره هود، لفظ «موعظه» به کار رفته است. مواعظ در درجه اول خداوند است: «ان الله نعماء هی یعظکم». ^۲ سپس این منصب را به رسول مکرم خود نسبت می‌دهد: «قل انما اعظکم بواحدة...»، ^۳ «ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة...». ^۴ خداوند سبحان قرآن کریم را به عنوان موعظه الهی معرفی کرده است: «یا ایها الناس قد جاءکم موعظة من ربکم و شفاء بما فی الصدور و هدی و رحمة للمؤمنین»، ^۵ «هذا بیان للناس و هدی و موعظة للمتقین». ^۶ «ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة... هی احسن ان ربک... و هو اعلم بالمهتدین». ^۷ از آنجا که موعظه کلامی است که به دل‌ها نرمی و رقت می‌بخشد، قساوت را از بین می‌برد، هواهای نفسانی را تسکین می‌دهد و به دل‌ها صفا و جلا می‌دهد و مواعظ دین است که می‌تواند بر روی دل‌ها اثر کند، می‌فرماید: «وَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَعْظِ أَحَدًا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ»، ^۸ «خدای متعال در هیچ‌یک از کتاب‌های آسمانی، مثل قرآن آحاد بشر را موعظه نکرده، به آنها درس نداده، آنها را راهنمایی نکرده». قرآن، نصیحت و پندی است برای انسان و او را از سرکشی و طغیان و تمرد و عصیان بازمی‌دارد و به سوی خدا و پذیرش حق مایل می‌سازد و مانند طیب است که بیمار را از آنچه که برایش مضر است، نهی

۱. «ای مردم! اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمده است»

۲. «خداوند پند و اندرزهای خوب به شما می‌دهد» (نسا، ۵۸)

۳. «بگو ای پیامبر! شما را تنها به یک چیز اندرز می‌دهم» (سبا، ۴۶)

۴. «با حکمت و پند نیکو مردم را به سوی پروردگارت بخوان» (نحل، ۱۲۵)

۵. «ای مردم! اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمده است و درمانی برای آنچه در سینه‌هاست و هدایت و رحمتی است برای مؤمنان» (یونس، ۵۷)

۶. «این بیانی است برای [عموم] مردم، هدایت و اندرزی است برای پرهیزگاران» (آل عمران، ۱۳۸)

۷. «با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما؛ ... پروردگارت از هر کسی بهتر می‌داند ... و او هدایت‌یافتگان را بهتر می‌شناسد» (نحل، ۱۲۵)

۸. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶.

می‌کند و هرچه را که برای وی شفاعت است، تجویز می‌کند، و همین ویژگی سبب نامگذاری قرآن به «موعظه» است (۱۳).

۴-۶. **مجادله:** جدال از ریشه «جدل»، گفت‌وگویی دو طرفه همراه با نزاع و درگیری کلامی جهت غلبه بر دیگری و اثبات رأی و نظر خویش و به قصد منصرف کردن دیگری از رأی و نظرش است (۱۴). مجادله به معنی مناظره و مخاصمه می‌باشد. درباره این واژه آمده که مجادله که باب مفاعله همان جدل است، استدلال و بحث و گفتگو یا حجت و دلیل آوردن در برابر دلیل و حجت دیگری است که قرآن کریم روش نیکوی مجادله را به پیامبر اکرم (ص) که خطاب به عموم مسلمین است، امر فرموده که «وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»^۱ و کسانی را که بدون استدلال و حجت و نور هدایت گفتگو می‌کنند، ملامت کرده که «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنبِرٍ» (حج، ۸). بنابراین، مجادله از نظر قرآن کریم هم می‌تواند مثبت و در راه احقاق حق باشد و هم منفی و در جهت دفاع از باطل.

۵-۶. **بشارت:** برخی ریشه آن را (بُشْر) به معنای سرور می‌دانند که به آن بُشْری نیز می‌گویند (۱۵). معادل آن در فارسی مؤده و خبر خوش است (۱۶). واژه «بُشْر» در قرآن کریم به دو معنا آمده است؛ گاهی به معنای شادی بخش است، خداوند می‌فرماید: «بَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ»^۲. کلمه «بُشْر» در این آیه به معنای مؤده و خبر شادمانی آمده است. گاهی به معنای اندوه‌بخش است: «بَشِّرِ الْمُتَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا»^۳ «به منافقان بشارت ده که مجازات دردناکی در انتظار آنها است»، و «فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ»^۴. در این آیات، کلمه «بُشْر» به معنای خبر اندوه‌بخش بوده که استعمال این کلمه، یک نوع استعاره و یا تحکم است؛ یعنی غیر از عذاب هیچ چیز دیگری برای آنان نیست (۱۷)؛ زیرا چون موعظه و پند و نصیحت در دل‌های کفار و بت‌پرستان هیچ‌گونه اثری نمی‌گذارد. خداوند خطاب به پیامبر (ص) فرموده که به آنان عذاب دردناک و عقوبت را اعلام نماید که نوعی طعن و سرزنش است (۱۸). خداوند در قرآن برای هدایت بشر از روش بشارت استفاده کرده و می‌فرماید: «وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ ... وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ ... وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ فَلَنْ

۱. نحل، ۱۲۵.

۲. «به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، بشارت ده که باغ‌هایی از بهشت برای آنهاست که نهرها از زیر درختانش جاری است» (بقره ۲۵).

۳. نساء، ۱۳۸.

۴. انشقاق، ۲۴.

يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا»^۱ «من كان لله كان الله له»، «هرکس برای خدا کار کند، خدا هم همه این قدرت عظیم خود را برای او، در جهت او و در خدمت او قرار خواهد داد». همچنین می‌فرماید: «والَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لِنَهْدِيَهُمْ سَبِيلَنَا»، هدایت هم می‌کند. وقتی شما برای او تلاش کردید، نمی‌گذارد در گمراهی بمانید، هدایت هم می‌کند (۱۹).

۶-۶. تبیین حق: لزوم استفاده از روش‌های صحیح و حق، جهت هدایت مردم «وَمِن قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ»^۲ «وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ»^۳ قرآن نور است، هدایت است، قرآن بیان است، تبیین است؛ قرآن با انسان حرف می‌زند، با دل انسان حرف می‌زند، با باطن انسان حرف می‌زند. با قرآن باید مأنوس شد، به قرآن باید نزدیک شد، اولین بهره‌را دل آماده و مستعد انسان می‌برد؛ اگر دیدید دلتان به قرآن نزدیک است، خدا را شکر کنید؛ اگر دیدید معارف قرآنی را به آسانی قبول می‌کنید و در دل می‌پذیرید و تحمّل می‌کنید، بدانید که خدای متعال اراده کرده است شما را هدایت کند؛ «فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأْتَمًا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ». خاصیت قرآن این است: اگر دل شما به قرآن نزدیک شد، اگر با قرآن انس پیدا کردید، بدانید خدای متعال اراده کرده شما را هدایت کند و این بزرگ‌ترین نعمت الهی است (۲۰). بنابراین، اسلام را آنچنان که فهم صحیح انسانی و در متون اصیل اسلامی هست، باید فهمید، باید دانست و با هدایت قرآنی از آن بهره‌برد. خود قرآن «تبیاناً لكلّ شیء» است؛ راهنما است، بیان است، خط است. ... قرآن، کتاب هدایت و کتاب نور است. آن کسانی که به قرآن مراجعه و تدبر می‌کنند و زمینه لازم و استعداد لازم را در خود به وجود می‌آورند، برای اینکه از معارف قرآن استفاده کنند، آنها می‌توانند از قرآن بهره‌برند (۲۱).

۷-۶. توبه‌پذیری: باز گذاشتن راه توبه و اصلاح برای منحرفان، روشی برای هدایت: «كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَشَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ؛ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۴ اگر تقوا به میان بیاید، خدای متعال هم

۱. «و چیزی مردم را بازنداشت از اینکه- وقتی هدایت به سراغشان آمد- ایمان بیاورند ... ما پیامبران را جز بشارت‌دهنده و اندازکننده، نمی‌فرستیم؛ ... و از این‌رو اگر آنها را به سوی هدایت بخوانی، هرگز هدایت نمی‌شوند» (کهف، ۵۵).

۲. اعراف، ۱۵۹.

۳. «و از آنها را که آفریدیم، گروهی به سوی حق هدایت می‌کنند، و با آن اجرای عدالت می‌نمایند» (اعراف، ۱۸۱).

۴. «چگونه خداوند گروهی را هدایت می‌کند که بعد از ایمان و گواهی به حقانیت پیامبر و رسیدن نشانه‌های روشن به آنها، کافر شدند؟! و خدا، گروه ستمکاران را هدایت نخواهد کرد! مگر کسانی که پس از آن، توبه کنند و اصلاح نمایند؛ و گذشته را جبران کنند؛ زیرا خداوند، آمرزنده و مهربان است» (آل عمران، ۸۶-۸۹).

اعمال را اصلاح و ما را هدایت می‌کند: «انّ علینا للهدی»؛ خدای متعال هدایت را برعهده خودش دانسته. اگر ما در خط تقوا، رعایت امر و نهی الهی و مواظبت از رفتار خود حرکت کنیم، بدون شک خدای متعال ما را هدایت نموده و کمبودهای کار ما را جبران خواهد کرد «یغفر لکم ذنوبکم»؛ و اگر در جاهایی نادانسته خطا و اشتباهی از ما سر بزند، آنها را مورد مغفرت قرار خواهد داد و آبروی ما را حفظ خواهد کرد. ... اگر تقوا را رعایت کردیم، حرف و عمل ما هم با هدایت و کمک الهی در مسیر درست قرار خواهد گرفت (۲۲). بنابراین، توبه‌پذیری از طرف خداوند سبب می‌شود انسان گناهکار خودش را اصلاح کند و گناهیانی که او را از مسیر هدایت منحرف می‌نماید را انجام ندهد.

۸-۶. تمثیل: خداوند هدایت‌گر بسیاری از انسان‌ها به وسیله مثل زدن: «انّ اللّٰه لا یستحیی ان یشرب مثلاً ما بعوضه فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِینَ ءَامَنُوا فِیَعْلَمُونَ اِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَاَمَّا الَّذِینَ كَفَرُوا فِیَقُولُونَ مَاذَا ارَادَ اللّٰهُ بِهَذَا مَثَلًا یُضِلُّ بِهٖ کَثِیْرًا وِیَهْدِی بِهٖ کَثِیْرًا...»^۱، قرآن با ذکر یک مثال زیبا و دقیق، چگونگی نور الهی را در این آیه برای عموم مردم بیان کرده است. انسان‌ها باید مثل را پلی برای رسیدن به اوج ممثّل قرار دهند؛ زیرا ماندن در محدوده مثل، مانند زندگی کردن بر روی پل است و چون مثل در حقیقت همانند ریسمانی است برای برآمدن بر قله معرفت ممثّل، توقف در حد مثل مانند این است که کوهنوردی، طناب آویخته از قله کوه را در دست بگیرد، ولی بالا نرود (۲۳). در قرآن مسائل عقلی بسیاری وجود دارد که اکثر مردم قابلیت فهم و جذب آن را پیدا نمی‌کنند و از سوی دیگر مردم به محسوسات و عینیات عادت کرده‌اند، به همین دلیل خداوند متعال برخی از مفاهیم بلند عقلی را در قالب مثال‌ها بیان فرموده تا عموم مردم آنها را به تناسب ادراک خود دریابند، بنابراین، فلسفه مثال‌های قرآن، بیان مسائل بلند و عمیق در افق فکر و فهم مردم است (۲۴).

۹-۶. تعلیم: یادگیری و یاددهی قرآن، پاداش بزرگی دارد و در اهمیت آن همین بس که خداوند از خود به عنوان «معلم قرآن» یاد می‌کند: «الرحمن علم القرآن».^۲ یکی از وظایف بسیار مهم پیامبر (ص) تلاوت و آموزش قرآن به مردم است: «هو الذی بعث فی الاممین رسولا منهم یتلو علیهم آیاته ویزکیهم ویعلمهم الكتاب والحکمة».^۳ خداوند در قرآن روش‌هایی را برای تعلیم بیان می‌کند

۱. «خداوند از اینکه به موجودات ظاهراً کوچکی مانند پشه، و حتی کمتر از آن، مثال بزند، باکی ندارد. در این میان کسانی که ایمان آورده‌اند، می‌دانند که آن مثال، گویای حقیقتی است از طرف پروردگارش؛ و اقا کسانی که کافر شده‌اند، بهانه‌جویی کرده، می‌گویند: منظور خداوند از این مثال چه بوده است؟! آری، خدا جمع زیادی را با آن گمراه، و گروه بسیاری را هدایت می‌کند» (بقره، ۳۶).

۲. الرحمن، ۱-۲.

۳. جمعه، ۲.

که عبارت است از: طرح سؤال و پرسش (انعام، ۶۳-۶۴؛ ابراهیم ۱۰)، تنوع بیان (انعام، ۶۵، ۱۰۵)، بیان فلسفه و علت حکم (لقمان، ۱۹)، استمرار تعلیم (قصص، ۵۱)، استفاده از تشبیه (ابراهیم، ۱۸، ۲۴، ۲۶)، ارائه الگو (مائده، ۱۰۱-۱۰۲). خداوند در قرآن، آموزش و فراگیری احکام و معارف را زمینه‌ای برای هدایت انسان‌ها بیان می‌کند و می‌فرماید: «وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ؛ کَمَا ارْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ».^۱ همچنین در آیه دیگری می‌فرماید: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ».^۲ «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ».^۳ خصوصیت، مخصوص علم دین است که هم از جهت علم بودن نور و هم از جهت راه خدا و متخذ از هدایت الهی بودن، نور هدایت است (۲۵). بنابراین، تعلیم و آموزش یکی از روش‌های هدایت‌گری قرآن می‌باشد که با شیوه‌های مختلف انسان را آموزش می‌دهد و در آیات متعددی به آن اشاره شده است.

۱۰-۶. انذار: انذار، از ریشه «نذر»، گزارش و ابلاغی است که با ترساندن همراه باشد (۲۶). این واژه و مشتقات آن بیش از ۱۲۴ بار در قرآن کریم به کار رفته است (۲۷). منذر حقیقی خداست و از این رو یکی از اسمای الهی منذر است (۲۸). در پاسخ به درخواست‌های مشرکان در آیه «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»^۴ آمده است: در واقع قرآن می‌فرماید این کافران وظیفه اصلی پیامبر (ص) را که مسئله انذار و دعوت به سوی خدا است، فراموش کرده و چنین پنداشته‌اند که اعجاز‌گری وظیفه اصلی او است (۲۹). مفسران «منذر» را در این آیه به معنی بیم‌دهنده از معصیت الهی و عقوبت آن دانسته‌اند. «هادی» به معنی هدایت‌کننده به

۱. «... شاید هدایت شوید. همانگونه که برای هدایت شما پیامبری از خودتان در میان شما فرستادیم؛ تا آیات ما را بر شما بخواند؛ و شما را پاکیزه سازد؛ و به شما، کتاب و حکمت بیاموزد؛ و آنچه را نمی‌دانستید، به شما یاد دهد» (بقره، ۱۵۰-۱۵۱).

۲. «خداوند بر مؤمنان نعمت بزرگی بخشید، هنگامی که در میان آنها، پیامبری از خودشان برانگیخت؛ تا آیات او را بر آنها بخواند، و آنها را پاکیزه سازد و کتاب و حکمت بیاموزد؛ هرچند پیش از آن، در گمراهی آشکاری بودند» (آل عمران، ۱۶۴).

۳. «او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده، پیامبری از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها بخواند و آنها را تزکیه کند و به آنان کتاب قرآن و حکمت بیاموزد، هرچند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند» (جمععه، ۱۲).

۴. رعد، ۷.

حق است (۳۰). البته براساس قول خداوند در آیه ۱۲۲ سوره توبه، «فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ».^۱ در توضیح تفاوت «منذر» و «هادی» گفته می‌شود که انذار برای آن است که گمراهان به راه آیند و در صراط مستقیم قرار بگیرند؛ اما هدایت برای آن است که پس از آمدن به صراط مستقیم، مردم را به پیش ببرد و از انحراف آن جلوگیری کند (۳۱).

انذار، از روش‌های هدایت: «وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ...»^۲ «وَمَا تُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ...»^۳ «وَأَنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا»^۴ «وَأَنْ تَأْتُوا الْقُرْآنَ مِمَّنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدَىٰ لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنذِرِينَ»^۵ «... قل الله شهيد بيني وبينكم واوحى الى هذا القرآن لانذرکم به ومن بلغ...»^۶

تاثیر روزی حلال در شناخت قرآن: یکی از منابع شناخت قرآن، قلب است که خداوند آن در وجود انسان نهاده است. قلب ابزاری است که انسان از طریق آن به بصورت وسیع و عمیق از فضای حسی و عقلی با هستی آشنا می‌شود. واژه قلب سه معنا دارد:

معنای اول همان عضو جسم انسان است که در سمت چپ قفسه سینه قرار دارد و وظیفه آن رساندن خون به تمام بدن است. واژه قلب همان‌طور که در زبان عربی نام عضوی از بدن است، به معنای عقل نیز به کار می‌رود (۳۲).

معنای دوم قلب، عبارت است از مرکز فکر و اندیشه. واژه قلب همان‌طور که در زبان عربی نام عضوی از بدن است، به معنای عقل نیز به کار می‌رود (۳۳).

معنای سوم قلب: گاهی واژه قلب به معنای روح نیز به کار می‌رود (۳۴). قرآن بر مرکز فکر و اندیشه پیامبر(ص) نازل نشده و با نیروی عقل، حقایق قرآنی را تحصیل نکرده است، بلکه مرکز

۱. «لازم است از هر فرقه، طایفه‌ای برای تفقه در دین کوچ کنند تا در بازگشت، قوم خویش را انذار نمایند».

۲. اسراء، ۹۴.

۳. انعام، ۴۸.

۴. «و چیزی مردم را بازنداشت از اینکه- وقتی هدایت به سراغشان آمد- ایمان بیاورند ... ما پیامبران را جز بشارت‌دهنده و انذارکننده، نمی‌فرستیم؛ ... و از این‌رو اگر آنها را به سوی هدایت بخوانی، هرگز هدایت نمی‌شوند» (کهف، ۴۸).

۵. نمل، ۹۲.

۶. «... بگو خداوند گواه میان من و شما است و (بهترین دلیل آن، این است که) این قرآن را بر من وحی کرده تا شما و تمام کسانی را که این قرآن به آنها می‌رسد، انذار کنم (و از مخالفت فرمان خدا بترسانم) آیا براستی شما گواهی می‌دهید...» (انعام، ۳۹).

شناخت‌های غیرحسی و غیرعقلی آن حضرت، حقایق را از فرشته وحی تلقی کرده است (۳۵). شاهد این امر، آیه ۱۹۴ سوره شعراء است که می‌فرماید: «نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ»^۱. امیرالمومنین (ع) قلب را چشمه جوشان حکمت و گوش (حس شنوایی) را محل و مدخلی که چشمه قلب از آن تغذیه می‌شود، معرفی می‌کند (۳۶). بخش عمده‌ای از پیام‌های قرآن از راه دل است. پیامی که تنها گوش دل قادر به شنیدن آن است و هیچ گوش دیگری را یارای شنیدن آن نیست. از این رو قرآن تأکید زیادی در حفظ و نگهداری و تکامل این ابزار دارد (۳۷). پیامبر اکرم (ص) در این باره می‌فرماید: هر کس چهل شبانه‌روز حلال خورد، خداوند دلش را روشن و نورانی می‌کند (۳۸). علامه جعفری می‌گوید: لقمه حلال برای دل انسان، علم و حکمت و عشق و ظرافت ایجاد می‌کند و هنگامی که دیدی حسادت و جهل و غفلت تو روزافزون است، بدان که نتیجه همان لقمه‌های حرامی است که خورده‌ای ... لقمه حلال عالی‌ترین پدیده‌ای را که برای انسان ممکن است، ایجاد می‌کند» (۳۹). امام حسین (ع) به لشکریان عمر سعد فرمود: «اینکه شما نافرمانی‌ام می‌کنید، و به سخن من گوش فرامی‌دهید، این است که شکم‌هایتان از حرام پر شده و بر دل‌هایتان مهر خورده و دیگر حق را نمی‌پذیرید. وای بر شما! آیا انصاف نمی‌دهید؟ آیا گوش فرامی‌دهید؟!» (۴۰). شیخ علی اکبر نهاوندی می‌گوید: چون غذای حرام به شکم وارد شد، مصداق آیه: «و الذی خبث لا یخرج الا نکدًا»، «از خبیث چیزی جز خبیث خارج نشود» و مصداق آن در ضرب‌المثل‌ها این بیت است که «از کوزه همان تراود که در اوست ...». قوت یافتن و بسته شدن نطفه‌ای که با لقمه حرام بسته و رشد یافته، چیزی جز خباثت نخواهد بود. چگونه می‌توان به چشم او امیدوار بود که به نامحرم نگاه نکند؟ و یا با زبان غیبت نکند؟ و اینچنین است حال سایر اعضا نسبت به معاصی صادر شده از شخص» (۴۱).

۷. یافته‌ها

- ۱- هدایت به معنای راهنمایی کردن و رساندن به هدف است و یک واژه عام بوده که هم تکامل وجودی و هم گمراهی انسان را شامل می‌شود.
- ۲- روزی حلال یکی از عوامل تاثیرگذار در معرفت قرآن است که در هدایت انسان نقش بسزایی دارد.
- ۳- قرآن در اصل کتاب هدایت است و شناخت آن سبب هدایت انسان می‌شود.
- ۴- خداوند در انسان علاوه بر هدایت تکوینی، هدایت تشریحی را برعهده دارد.

۱. «قرآن را جبرئیل امین بر قلب تو نازل کرد» (شعراء، ۱۹۴).

- ۵- هدایت تکوینی در تمامی موجودات این عالم (شامل جمادات، نباتات، حیوانات و...) است.
- ۶- هدایت تشریحی از طریق وحی و فرستادن کتاب‌های آسمانی و بعثت انبیاء اعمال شده و تحقق می‌یابد.
- ۷- خداوند در قرآن روش‌های هدایت مختلفی برای راهنمایی انسان بیان کرده که عبارت است از: تذکر، حکمت، موعظه، مجادله، تمثیل و... .
- ۸- روزی حلال در زندگی انسان، سبب صفا و نورانیت قلب می‌گردد و نیز یکی از منابع معرفت قرآن، قلب انسان است. بنابراین، روزی حلال سبب نورانیت قلب می‌شود. قلب نورانی زمینه معرفت به قرآن را فراهم می‌سازد و شناخت قرآن سبب هدایت انسان می‌شود.

۸. نتیجه‌گیری

هدایت یک واژه عام است که شامل تکامل وجودی و ضلالت می‌شود و به معنی شناخت صحیح هدف، انتخاب راه و طریق صحیح برای رسیدن به هدف و پایداری در مسیر است. هدایت در عام‌ترین معنای خود که همان هدایت تکوینی است شامل همه مخلوقات می‌گردد. علاوه بر هدایت تکوینی، خداوند هدایت تشریحی را نیز قرار داده است. هدایت تشریحی به وسیله کتب آسمانی، پیامبران و ائمه انجام می‌شود. قرآن کریم از جمله هدایت‌گران است که در راهنمایی بشر به سویی کمال وجودی که در سعادت دنیا و آخرت نقش بسزایی دارد. در آیات و روایات فراوانی به نقش آفرینی قرآن در هدایت بشر اشاره شده است. خداوند در قرآن روش‌های مختلفی برای راهنمایی انسان بیان کرده که عبارت است از: تذکر، حکمت، موعظه، مجادله، تمثیل و... . در متون دینی یکی از مولفه‌های تاثیرگذار در امر شناختی، روزی حلال می‌باشد که در آیات، روایات و سخنان بزرگان به کسب روزی حلال تاکید و سفارش شده است. یکی از آثار روزی حلال، صفا و نورانیت قلب است و از طرفی یکی از منابع معرفت قرآن، قلب انسان است. بنابراین، روزی حلال سبب نورانیت قلب می‌شود که زمینه معرفت به قرآن را ممکن می‌سازد و قرآن سبب هدایت انسان می‌شود.

References

The Holy Qur'an.

Nahj al-Balagha.

1. Tabatabaei, S. M. H. (1995). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Trans. S. M. B. Mousavi Hamdani. 5th ed. Qom: Islamic Publications Office, Vol. 1, p. 26.
2. Ragheb Esfahani, H. b. M. (1991). *Mufradat Alfaz al-Qur'an (Vocabulary of Qur'anic Words)*. Beirut: Dar al-Alam – Dar al-Shamiya, p. 835.
3. Tabarsi, F. b. H. (2016). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Trans. R. Sotoudeh. Tehran: Farahani Publishing House, Vol. 8, p. 265.
4. Mostafavi, H. (1989). *Al-Tahlil al-Habiyq fi Kalam al-Qur'an*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, Vol. 11, p. 247.
5. Tabatabaei, S. M. H. (1995). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Trans. S. M. B. Mousavi Hamdani. 5th ed. Qom: Islamic Publications Office, Vol. 1, p. 29.
6. Nouri Tabarsi, M. H. (2003). *Mustadrak al-Wasā'il*. Tehran: Islamia Publishing House, Vol. 18, p. 182.
7. Motahari, M. (2022). *Summary of Familiarity with the Qur'an*. Tehran: Imam Sadegh University Publications, Vol. 1, pp. 7–8.
8. Khamenei, S. A. (2021, April 14). *Statements in the Gathering of Anas with the Holy Qur'an*. Retrieved from <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47709> [in Persian].
9. Tabarsi, F. b. H. (1998). *Tafsir Jāmi' al-Jāmi'*. 2nd ed. Mashhad: Astan Quds Razavi Publishing House, Vol. 6, p. 615.
10. Javadi Amoli, A. (2006). *Guidance in the Qur'an*. Qom: Esra Publications, p. 490.
11. Makarem Shirazi, N. (1995). *Tafsir Nemouneh*. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiyyah, Vol. 10, p. 156.
12. Tabatabaei, S. M. H. (1995). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Trans. S. M. B. Mousavi Hamdani. 5th ed. Qom: Islamic Publications Office, Vol. 2, p. 395.
13. Misbah Yazdi, M. T. (2014). *Qur'anic Studies*. Res. & Ed. M. Rajabi. 6th ed. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute, Vol. 1, p. 50.
14. Ragheb Esfahani, H. b. M. (1991). *Mufradat Alfaz al-Qur'an (Vocabulary of Qur'anic Words)*. Beirut: Dar al-Alam – Dar al-Shamiya, p. 189.
15. Askari, A. H. (1991). *Ma'jam al-Furūq al-Lughawiyyah*. Qom: Teachers Society of Qom Publishing House, p. 100.
16. Ragheb Esfahani, H. b. M. (1991). *Mufradat Alfaz al-Qur'an (Vocabulary of Qur'anic Words)*. Beirut: Dar al-Alam – Dar al-Shamiya, p. 125.
17. Qureshi, S. A. A. (1992). *Qur'an Dictionary*. 6th ed. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Vol. 1, p. 194.
18. Makarem Shirazi, N. (1995). *Tafsir Nemouneh*. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiyyah, Vol. 26, p. 319.
19. Kulayni, M. b. Y. (1986). *Al-Kafi*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Vol. 1, p. 434.

20. Khamenei, S. A. (2023, March 13). *Statements at the Meeting of Participants in the 62nd International Competition of the Holy Qur'an*. [in Persian].
21. Khamenei, S. A. (1998, November 17). *Statements in the Meeting with Regime Officials*. Retrieved from <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2918> [in Persian].
22. Khamenei, S. A. (2014, March 8). *Statements in the Meeting of Parliament Members*. [in Persian].
23. Javadi Amoli, A. (1999). *Tasnim*. Qom: Esra Publishing House, Vol. 2, p. 328.
24. Makarem Shirazi, N. (1999). *Beautiful Examples of the Qur'an*. Prepared and edited by A. Q. Alian Nejadi. Qom: Nesl Javan Publications, p. 13.
25. Ragheb Esfahani, H. b. M. (1991). *Mufradat Alfaz al-Qur'an (Vocabulary of Qur'anic Words)*. Beirut: Dar al-Alam – Dar al-Shamiya, Vol. 1, p. 487.
26. Rouhani, M. (1997). *Al-Ma'ajm al-Ahsa'i li-Alfaz al-Qur'an al-Karim*. 2nd ed. Mashhad: Astan Quds Razavi Publishing House, Vol. 3, p. 1542.
27. Majlisi, M. B. (1993). *Bihar al-Anwar*. Tehran: Islamia Publications, Vol. 94, p. 387.
28. Makarem Shirazi, N. (1995). *Tafsir Nemouneh*. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiyyah, Vol. 10, pp. 129–130.
29. Tusi, M. b. H. (1992). *Al-Tibyan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Ahya al-Turath al-Arabi Publishing House, Vol. 6, p. 222.
30. Makarem Shirazi, N. (1995). *Tafsir Nemouneh*. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiyyah, Vol. 10, p. 130.
31. Ibn Manzur, M. b. M. (1993). *Lisan al-Arab*. Beirut: Dar al-Fikr, Vol. 1, p. 687.
32. Ragheb Esfahani, H. b. M. (1991). *Mufradat Alfaz al-Qur'an (Vocabulary of Qur'anic Words)*. Beirut: Dar al-Alam – Dar al-Shamiya, p. 682.
33. Mohammadi Ray Shahri, M. A. (2008). *Summary of the Basics of Cognition*. Tehran: Dar al-Hadith Publications, p. 222.
34. Mohammadi Ray Shahri, M. A. (2018). *Summary of the Basics of Knowledge*. Tehran: Dar al-Hadith Publications, pp. 222–223.
35. Motahari, M. (2022). *Summary of Familiarity with the Qur'an*. Tehran: Imam Sadegh University Publications, Vol. 1, p. 69.
36. Majlisi, M. B. (1993). *Bihar al-Anwar*. Tehran: Islamia Publications, Vol. 100, p. 16.
37. Jafari, M. T. (2014). *Commentary on Masnavi*. Tehran: Institute for Editing and Publishing the Works of Allameh Mohammad Taghi Jafari, Vol. 1, p. 719.
38. Qomi, A. (1991). *Nafs al-Mahmūm*. Beirut: Dar al-Mahja al-Bayda & Dar al-Rasul al-Akram, p. 221.
39. Nahavandi, A. A. (1960). *Khazīnat al-Jawāher fi Zīnat al-Manābir*. Tehran: Islamia Publications, p. 430. [in Persian]